

شأن نزول آیهی شریفه: یا ایها الرسول بلغ...

ای رسول من، آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای، و خدا تو را از شر آزار مردمان محفوظ خواهد داشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از انجام مناسک حج، با جمعیت همراه خود، به سمت مدینه حرکت کردند. در بازگشت در روز 171 هجدهم ذی‌الحجه؛ چون به غدیر رسیدند فرشته‌ی وحی از جانب خداوند این آیهی شریفه را آورد: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالتک و الله یخصمک من الناس...».

ای رسول من، آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای، و خدا تو را از شر آزار مردمان محفوظ خواهد داشت.

از آیهی شریفه‌ی فوق چنین برمی‌آید که:

1- از جانب خداوند موضوع جدید و بسیار حائز اهمیت، به مردم ابلاغ می‌شود.

2- پیامبر برای اولین بار در ابلاغ وحی به مردم دچار نگرانی می‌شود، چنانچه خداوند می‌فرماید: ما تو را از شر مردم محفوظ خواهیم کرد.

3- این حکم الهی کامل کننده‌ی دین و رسالت رسول خدا می‌باشد.

آنچه مسلم است، پیامبر برای جان خود، خوف و هراسی ندارد، بلکه وی نگران حفظ و تداوم اسلام می‌باشد. چنین انتظار می‌رفت که اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این حکم الهی را ابلاغ می‌کرد، جمعیت همراه وی دست به شورش و عکس‌العمل شدید زنند، چنانچه بنیان دین را به خطر اندازد و در جامعه‌ی مسلمین اختلاف و هرج و مرج حاکم شود.

از امام محمد باقر علیه‌السلام روایت شده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله عازم زیارت کعبه بود، جبرئیل بر او نازل شد و از جانب خداوند متعال سلام کرد و گفت: "خداوند می‌فرماید که من پیامبری را از پیامبران گذشته قبض روح نکردم، مگر پس از کمال دین و اتمام حجت و برای تو دو موضوع باقی مانده است که می‌باید آن را به مردم ابلاغ کنی، یکی حکم حج و دیگری موضوع خلافت و ولایت است".

رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نسبت به قوم خود، خصوصاً از منافقین امت و تفرقه و ارتداد آنان در اندیشه بود و از دشمنی و نارضایتی جمعی نسبت به حضرت علی علیه‌السلام آگاه بود، انجام دادن این امر الهی را به تأخیر انداخت تا اینکه در غدیر خم برای سومین بار، جبرئیل بر او نازل شد و تأکید حق تعالی را بر آن حضرت، در نصب علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام به خلافت ابلاغ کرد.

براء عازب گوید: در بازگشت از حجة‌الوداع چون به غدیرخ رسیدیم، رسول خدا نماز را با همه‌ی همراهان به جای آوردند. پس از فراغت از نماز، رسول خدا خطبه‌ی خطیر خود را که فصل نوینی در تاریخ اسلام گشود، با حمد و ثنای پروردگار شروع کرد.

روایت است که سخنان پیامبر بیش از چهار ساعت به طول انجامید، و در واقع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کارنامه‌ی بیست و سه ساله‌ی خود را برای مردم شرح دادند. لزوم گرایش به «قرآن و عترت» را برای رهبری و سعادت خلائق پس از خود توصیه نمود و فرمود: «همانا این دو چیز گرانبها را که در میان شما می‌گذارم، خداوند مرا آگاه فرمود

که این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، پس بنگرید که چگونه بعد از من با آنان رفتار می‌کنید».

سپس دست علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام را در کنارش ایستاده بود گرفت و تا آنجا بالا برد که سفیدی زیر بغلهایش نمودار گردید و همه‌ی افراد او را شناختند و فرمود: «یا ایها الناس اولست اولی بالمنین من انفسهم به قالوا: بلی، قال: او لیس ازواجی

امهائهم؟ قالوا: بلى يا رسول الله، فمن كنت مولا، فعلى مولا، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؛

ای مردم آیا من از خود ممنان به آنها سزاوارتر نیستم؟ گفتند، آری، فرمود: آیا همسران من، مادران شما نیستند، گفتند آری، پس هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست. خدایا دوست بدار هر کس که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار دشمن او را.

از ابوسعید خدری، صحابی معروف نقل شده، هنوز مردم متفرق نشده بودند که این آیه‌ی شریفه نازل شد: «... الیوم اَکملتُ لکم دینکم و اتممتُ علیکم نعمتی و رضیتُ لکم الإسلام دیناً...«

امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمت را تمام کردم و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم.

پیش از نزول این آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای گروه مومنین از امر پروردگار متعال اطاعت کنید و ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام را بپذیرید و به کلمه‌ی «امیرالمومنین« او را بخوانید و با او به عنوان مقام خلافت بیعت کنید.

سپس مردم هجوم آوردند و او را تبریک و تهنیت گفته و با وی بیعت کردند و به امر پیامبر زنان مسلمانان که همراه آنان بودند به علی علیه‌السلام مبارک گفتند.